

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یازدهم، شماره چهارم (پیاپی ۴۲)، زمستان ۱۴۰۱

شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.42.10.9

صفحات ۲۳۲-۲۱۳

مقاله پژوهشی

## تحلیل نقش سرمایه‌گذاری دولت در توانمندسازی روستایان (مورد مطالعه: ناحیه کاشان)

محمود گنجی‌پور\*؛ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.  
مصطفی طالبی؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.  
محسن شاطریان؛ استاد جغرافیا و اکوتوریسم، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱

### چکیده

در این پژوهش با توجه به نقش دولت در توانمندسازی و توسعه روستاها، اقداماتی که دولت در قالب نظام برنامه‌های توسعه به ویژه بعد از انقلاب اسلامی ایران انجام داده است، نخست با شناخت و تحلیل سرمایه‌گذاری‌های دولتی به روستاها و سپس نقش توانمندسازی مردم و چگونگی اثرگذاری آن در روستاهای ناحیه کاشان مورد بازشناسی قرار گرفته است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری کلیه ۱۵۲۵۵ خانوار روستایی ناحیه کاشان و حجم نمونه ۳۱۶ خانوار است. در این تحقیق با بهره‌گیری از روش طبقه‌بندی و بکارگیری ماتریس سه بعدی از شاخص‌های همچون میزان سرمایه‌گذاری دولتی (شاخص اثرگذار)، موقعیت جغرافیایی روستا و میزان جمعیت به عنوان شاخص‌های اثربخش تعیین روستاهای نمونه استفاده و در مجموع ۱۲ روستا انتخاب شد. برای تبیین رابطه میان متغیر مستقل و وابسته با توجه به ماهیت فرضیات از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیونی و ضریب تعیین ( $R^2$ ) در نرم افزار SPSS استفاده شد. یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی از وجود رابطه قوی، مثبت و مستقیم بین دو متغیر سرمایه‌گذاری و توانمندسازی روستایان حکایت دارد. با توجه به تحلیل رگرسیون چند متغیره، متغیر سرمایه‌گذاری کالبدی - فضایی، سرمایه‌گذاری اجتماعی و سرمایه‌گذاری اکولوژیکی، بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته (توانمندسازی) داشته‌اند. در نهایت باید در فرایند سرمایه‌گذاری دولت، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی به عنوان هدف تعقیب شوند و در برنامه‌های توسعه پایدار روستایی به برنامه‌ریزی مشارکت‌مدار و تسهیلگر، پایین به بالا و غیرمتمرکز توجه و رویکرد حاکم بر فرایند توسعه روستایی در ایران و ناحیه از طریق انتخاب سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی، اکولوژیکی و کالبدی - فضایی مناسب اصلاح گردد.

**واژگان کلیدی:** توسعه روستایی، سرمایه‌گذاری دولت، سکونتگاه‌های روستایی، توانمندسازی، کاشان.

\* Ganjimahmood@gmail.com

**(۱) مقدمه**

جوامع روستایی ایران از دیرباز با تعاون و همیاری بر مشکلات فائق می‌آمدند. لیکن با پیرنگ شدن نقش دولت در زندگی روستایی و تسلط بر منابع ملی، این تعاون و همیاری جای خود را به انتظار برای توسعه توسط دولت داده است. حال بعد از گذشت ۶۰ سال از برنامه‌ریزی متمرکز در ایران ۱۲ برنامه ۵ ساله در کشور تهیه شده که این برنامه‌ها با مشخص نمودن فعالیت‌ها و محورهای اقدامات کلان و خرید، مسیر اقدامات دولت را در عرصه‌های مختلف تعیین می‌کنند. اما در برخی از مواقع پاره‌ای از "اقدامات"، "سیاست‌گذاری‌ها" و "اعمال برنامه‌ریزی‌ها" و "مدیریت‌های تجربی و حتی سلیقه‌ای" موجبات بروز نابسامانی اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و اکولوژیکی را در برخی از نواحی روستایی فراهم ساخته است. واقعیت این است که غالب بودن برنامه‌ریزی بخشی-دولتی، اغلب به عمران (کالبدی) در روستا انجامیده و موجب وابستگی شدید این مناطق به تصمیمات و اقدامات دولت شده و این موضوع باعث شده است روستاییان از کارکرد و نقش واقعی خود در امر توسعه باز بمانند. در واقع رهیافت از بالا و یکسویه، هرچند دلسوزانه و با صحت فنی باشد، در عمل به کنار ماندن مردم از جریان توسعه می‌انجامد و همچنین موجب افزایش توقعات مردم می‌شود و خسارت‌های جبران ناپذیری به دنبال دارد (عظیمی آملی، ۱۳۹۳: ۴).

در سال‌های اخیر در مباحث مرتبط با توسعه روستایی مفهومی تحت عنوان "توانمندسازی" مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ مفهومی که به زبان ساده به پروژه‌ها و فرایندهایی اشاره دارد که هدف کلیدی آنها عبارت است از افزایش توانایی عمومی روستاییان در خود اتکایی برای ارتقای وجوه مختلف توسعه روستایی. بدین معنی که بجای اینکه به افراد روستایی گفته شود که چه کاری را در حوزه اجتماعی، اقتصادی، اکولوژیکی و کالبدی- فضایی انجام دهند و چگونه و کی انجام دهند، ظرفیت‌های شناختی آنان را بالا برد که خود مشکلات خود را حل کنند و خود تصمیم بگیرند، اعتماد به نفسشان فزونی یابد و مسئولیت‌های توسعه روستایی را خود بر عهده بگیرند.

حال با توجه به حدود یک دهه تأکید بر رویکرد توانمندسازی در ایران و اتخاذ سیاست‌های مربوط به رهیافت توانمندسازی روستاییان در برنامه‌های توسعه (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۲)، در صورتی که روستا به عنوان یک نظام سکونتی - فعالیتی فرض شود، ورود متغیری جدید منجر به تغییراتی در این سیستم می‌گردد. دولت انتظار دارد این تغییرات به توانمندسازی روستاییان منجر گردد. اما آیا واقعیت‌هایی که در روستاهای کشور رخ داده است با خواسته و اهداف برنامه‌ها همگن بوده است؟ به عبارت دیگر با عنایت به حجم بالای اعتباراتی که هر ساله در سکونتگاه‌های روستایی هزینه می‌شود این سوال قابل طرح است که سرمایه‌گذاری‌ها در سکونتگاه‌های روستایی چه رابطه‌ای با توانمندسازی روستاییان دارد؟

سکونتگاه‌های روستایی ایران مرکزی به ویژه ناحیه کاشان به رغم برخورداری از قابلیت‌ها و استعدادهای فراوان طبیعی و انسانی؛ اما به دلیل کم توجهی و غفلت به برنامه‌ریزی متناسب با پیوندهای روستا- شهری و حاکم بودن رویکرد توسعه از "بالا به پایین"، "بخشی‌نگری" و متمرکز مورد توجه قرار نگرفته است. در این چارچوب روستاییان ناحیه به دلیل نادیده گرفته شدن در بسیاری از فعالیت‌های توسعه‌ای درخصوص محیط زندگی خود مشارکت فعال نداشته و برانگیخته نشده‌اند که در این زمینه

شاخص‌های توانمندسازی دچار چالش جدی است. در این چارچوب، با توجه به اینکه دولت در راستای توانمندسازی و توسعه روستاهای ناحیه کاشان اقدامات گوناگونی را تا امروز انجام داده است، ضمن بررسی مکانیسم ورود سرمایه گذاری‌ها به روستاها، از سویی و از سوی دیگر نقش توانمندسازی مردم، چگونگی اثرگذاری آنها را در روستاهای ناحیه کاشان مورد بررسی قرار می‌دهد.

## ۲) مبانی نظری

یکی از اساسی‌ترین اهداف استقرار دولت‌ها فراهم ساختن رفاه و توسعه برای جامعه است. دولت‌ها در بیشتر مناطق در حال توسعه سیاست‌هایی را برای ارتقاء و توسعه بخش روستایی اتخاذ می‌کنند (سعیدی و دارابی، ۱۳۸۵: ۵۴). رویکرد توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه متأثر از نظریات کلاسیک مدیریت توسعه می‌باشد که با نقش آفرینی گسترده دولت طراحی، مدیریت و اجرا می‌شود و با عناوینی نظیر "توسعه دولت محور" یا "توسعه از بالا به پایین" شناخته می‌شود (Dubosi, 1991 – Assche and et al, 2014). دولت عامل در این نوع از توسعه نیز با عناوینی نظیر "دولت توسعه‌گرا" (Kumar, 2004) یا "دولت قوی" (Migdal, 1988) معرفی می‌شود. از این رو غالب بودن نظریات توسعه‌ای کلاسیک در کشورهای در حال توسعه در چند دهه اخیر چالش‌های بسیاری را در ارتباط با تحولات نقاط روستایی موجب شده است (Simard et al, 2017, - Kumar Dab, 2013, - Michalek and Zarnekow, 2012, - شفیع‌ی ثابت و دیگران، ۱۳۹۸، - شفیع‌ی ثابت و رهبری، ۱۳۹۷). همچون اغلب کشورهای در حال توسعه، در ایران نیز توسعه روستایی فرایندی با نقش آفرینی غالب دولت است (آزاد، ۱۳۷۹، ابراهیم بای‌سلامی، ۱۳۸۶؛ امیراحمدی، ۱۳۸۱، اوانز، ۱۳۸۰ و جلائی‌پور و دیگران، ۱۳۹۳).

اما فرض نهفته در پس گزاره‌های فوق نقش آفرینی خود "جامعه" در فرایند توسعه روستایی است. جامعه، کنشگر یا بازیگر دیگر این فرایند است که در ادبیات توسعه روستایی در قالب "توسعه جامعه محور" یا "جامعه قوی" تئوریزه شده است. قائلین به این گزاره معتقدند خواه توسعه روستایی پروژه‌ای دولتی قلمداد شود (دولت محور) یا برنامه‌ای اجتماع بنیاد (جامعه محور) جامعه در فرایند توسعه عاملیت دارد. جامعه عاملیت (قابلیت) رانش توسعه روستایی را دارد. براین اساس، روستاییان قادرند طبق برنامه یا بر خلاف برنامه‌های توسعه‌ای طراحی شده توسط طراحان (خواه خود روستاییان در تدوین آن دخیل باشند یا نباشند) عمل کنند و در نتیجه کردار این روستاییان است که چیزی به نام توسعه روستایی بر ساخت می‌شود (یا نمی‌شود) (جلائی‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

با این حساب در ادبیات توسعه روستایی، توسعه‌ای که با عاملیت اصلی جامعه شکل می‌گیرد "توسعه جامعه محور" یا "توسعه از پایین به بالا" نامیده می‌شود (Dubosi, 1991: 206). لذا تغییر رویکرد از راهبردهای توسعه روستایی بالا به پایین به سمت رویکرد پایین به بالا در توسعه روستایی هم شامل تغییر در شیوه مدیریت توسعه روستایی و هم شامل تغییر در نوع فعالیت‌ها برای ارتقای توسعه است (شفیع‌ی ثابت و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۹). بر خلاف مدیریت دولتی راهبرد بالا به پایین، توسعه روستایی پایین به بالا را اجتماعات محلی دنبال کرده و مشارکت فعال و واقعی جوامع محلی می‌تواند موجب توسعه

پایدار شود (Rossberger and Krause, -Waligo and et al, 2013, -Zasada and et al, 2017, 2014). در واقع، مسئولیت دولت از فراهم آوردن توسعه روستایی به تسهیل‌کننده تجدید ساخت روستایی تغییر می‌کند (Moseley, 2003: 41). لذا در دهه‌های اخیر، برنامه‌های جدید توسعه، الگوی نوینی از توسعه روستایی را معرفی می‌نمایند که به دنبال تجدید حیات نواحی روستایی از راه بهبود و ارزش-افزایی منابع محلی اعم از طبیعی و انسانی با توجه به اولویت‌ها و ترجیحات اجتماع محلی است (وودز، ۱۳۹۰) به معنای دقیق کلمه، پارادایم جدید مبتنی بر اصل توانمندسازی جوامع روستایی می‌باشد (Amundsen and Martinsen, 2015: 163)

توانمندسازی بسته به ساختار قدرت می‌تواند به صورت مولد (مشارکت منفعلانه) و یا نامولد (مشارکت فعالانه) بروز نماید (شفیعی ثابت و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۵). به طوری که نابرابری در توزیع قدرت، سبب بی‌تعادلی در اظهار نظر و عقاید حوزه‌های دخیل در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی می‌شود و تغییر در ساختار قدرت به منظور توانمندسازی همه جانبه اجتماعات محلی، می‌تواند خوداتکایی آن‌ها را برای مدیریت محلی به دنبال داشته باشد (Giampiccoli and Mtapuri, 2012: 98). توانمندسازی به منزله بخشی از زبان توسعه مطرح است و حق اساسی هر انسان و اصلی بنیادین در توسعه است (Cumming & Worley, 2014 - قربانی و همکاران، ۱۳۹۸). می‌توان گفت هدف اصلی توانمندسازی جامعه روستایی، پیشرفت و تعالی تمام آن است و یکی از شاخص‌های سنجش توسعه هر کشور، سطح توانمندی فقرا و روستاییان است (سواری و اسکندری، ۱۳۹۸: ۱۲۷ - Sharma. & Gupta, 2017). به این ترتیب اتخاذ سیاست‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری بر روی روش‌های توانمندسازی جامعه روستایی برای مشارکت روستاییان به عنوان یکی از مهمترین عوامل، در تحولات نقاط روستایی است (Chen and et al, 2016: 310).

بانک جهانی تا سال ۲۰۰۰، تاکید اساسی بر نقش دولت در توانمندسازی نهادهای محلی و توسعه سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های محله مبنا داشته است (World Bank, 2000: 33) در راستای تعیین سیاست‌های عمده توانمندسازی، بانک جهانی توصیه مستقیمی در مورد لحاظ نمودن چهار سیاست عمده توانمندسازی در بهبود وضعیت محرومین دارد:

- تمرکززدایی
- خصوصی‌سازی
- آزادسازی و تسهیل ضوابط
- نیازمبنایی

به طور کلی در این رویکرد تمرکز بر کاهش اثرات و آسیب‌های دخالت دولت در روند توسعه است. هرچند باید توجه داشت که توانمندسازی به معنای کاهش نقش دولت نبوده و به معنای تغییر رویکردها و سیاست‌های دولتی است. بدین معنا که در توانمندسازی باید مسایل زیر را مد نظر قرار داد:

- پتانسیل‌های دولتی باید در فرایند‌های توانمندسازی مورد استفاده قرار گیرند
- توانمندسازی به معنای قطع کامل دست دولت از سیاست‌گذاری نیست.

- دولت در ایجاد محیطی توانمند می‌تواند بسیار مفید واقع شود (رکن‌الدین‌افتخاری و حیدری‌ساریان، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

بنابراین توانمندسازی نه به دنبال نگاه لیبرال قطع کامل دخالت دولت بلکه در پی ایجاد نقش توانمندساز دولت و تغییر روند دولت از سیاستگذاری و تصمیم‌گیری‌های قطعی و بالا به پایین به فرایندهای مشارکت جویانه است. از این رو، تغییر رویکرد از راهبردهای توسعه روستایی بالا به پایین به سمت رویکرد پایین به بالا در توسعه روستایی هم شامل تغییر در شیوه مدیریت توسعه روستایی و هم شامل تغییر در نوع فعالیت‌ها برای ارتقای توسعه است. بر خلاف مدیریت دولتی راهبرد بالا به پایین، توسعه روستایی پایین به بالا را اجتماعات محلی دنبال می‌کنند. در واقع، مسئولیت دولت از فراهم آوردن توسعه روستایی به تسهیل کننده تجدید ساخت روستایی تغییر می‌کند (Moseley, 2003: 351) رویکرد پایین به بالا به نحو چشمگیری هم از سوی متخصصان توسعه روستایی و هم از سوی سیاستمداران نئولیبرال که برای بازساخت دولت تلاش می‌کردند حمایت می‌شود. از نظر گروه اول، رویکرد پایین به بالا موجب توانمندسازی جوامع محلی و توسعه راهبردهای تجدید حیات می‌شود و با نیازهای محلی و محیط هماهنگ است. از نظر گروه دوم، رویکرد پایین به بالا سبب می‌شود که مسئولیت توسعه روستایی از دولت به شهروندان واگذار شود و دولت هزینه‌های پرداختی برای توسعه روستایی را کاهش دهد (وودز، ۱۳۹۰: ۲۴۹).

لذا در چارچوب مقوله توسعه، مفهوم توانمندسازی با دو رویکرد بررسی شده است: الف) رویکرد "انگیزشی توانمندسازی"؛ در این رویکرد، هدف تواناسازی و تقویت خودباوری می‌باشد؛ ب) رویکرد شناختی توانمندسازی؛ این رویکرد، توانمندسازی را به طور وسیع تر به مثابه یک حالت انگیزش درونی تعریف می‌کند (شفیعی ثابت و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۵) که شامل پنج احساس درونی است: ۱- شایستگی؛ اعتقاد فرد به توانایی و ظرفیت خود برای انجام کارهاست، ۲- تاثیر: عبارت از حدی که در آن فرد توانایی نفوذ در پیامدهای کار خود را دارا باشد، ۳- اعتماد: افراد احساس کنند که با آنها منصفانه و یکسان برخورد می‌شود، ۴- خودتعیینی: یک احساس فردی در مورد حق انتخاب برای تنظیم فعالیت‌ها است و ۵- معناداری: فرد وظیفه‌ای را که انجام می‌دهد با معنی و ارزشمند تلقی کند (Fernandez & Moldogaziev, 2015: 59).

در نتیجه می‌توان گفت رویکردهای سرمایه‌گذاری دولت در روستاها باید به تمامی وجوه روستایی (اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی و فضایی کالبدی) با تاکید بر جنبه‌های توانمندسازی به عنوان یکی از مهمترین عوامل توجه داشته و به تقویت بنیان‌های آن در فضاهای روستایی اندیشیده و زمینه را برای تحولات سکونتگاه‌های روستایی فراهم سازد.

با توجه به مفاهیم مطرح شده، بررسی مطالعات پیشین می‌تواند در ایجاد چارچوبی مستحکم و علمی در تحقیق نقش بسزایی داشته باشد. عجاز علی خان و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل موثر بر فقر خانوارهای روستایی: نقش توانمندسازی اقتصادی اجتماعی خانواده» به این نتیجه رسید که توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی تاثیر قابل توجهی بر فقر روستایی دارد و پیشنهاد می‌دهد که

توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی نیاز به توجه سیاست‌گذاران دارد (Ejaz Ali Khan, Rehman, Abrar- ul-Haq, 2015). رای و لسموکر (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «توانمندسازی از طریق قانون؟ سیاست‌های گوناگون دسترسی به مواد غذایی در روستاهای هند» به این نتیجه رسید که اولاً باید ادعاهای حقوقی و توانایی تحقق بخشیدن به حقوق فردی از حداقل توانمندسازی در جامعه روستایی در برابر دولت محلی که اداره برنامه‌های حقوقی را اداره می‌کنند صورت گیرد. دوم، ادعا می‌کند که برنامه‌های حقوقی تحت رهبری دولت در سطح روستا، با سیاست‌های کوچکی روبه‌رو هست که روابط حمایتی را ایجاد می‌کند و تمایز بین ابزار قانونی و غیر قانونی دسترسی به حقوق غذایی را خنثی می‌کند (Rai, Smucker, 2016).

یونت (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «چارچوبی برای سنجش توانمندسازی زنان در سطوح مختلف» به این نتیجه رسید که توانمندسازی یک فرآیند پویاست و در آن منابعی وجود دارد که زنان را قادر می‌سازد آزادی بیان، ظرفیت تصمیم‌گیری برای تحقق آرمان‌های خود را داشته باشند (Yount, 2017). بلک و میشلچ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «آیا توانمندسازی زنان با دانش و عقاید سیاسی ارتباط دارد؟» به این نتیجه رسیدند که بین توانمندسازی اقتصادی اجتماعی زنان روستایی و دانش و عقاید سیاسی زنان روستایی ارتباط وجود دارد (Bleck, Michelitch, 2018). آنیاه و دیگران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «توانمندسازی معیشت در مقابله با تغییرات اقلیمی» به این نتیجه رسیدند که تعیین استراتژی‌های معیشت، برای بهبود توانمندی جوامع محلی بدون مشارکت آنان امکان‌پذیر نیست و بین این دو مقوله رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد (Aniah, Katherine, Ayemobilla, 2019). حیدری‌ساربان (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه توانمندسازی روستایی در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی» به این نتیجه رسید که سطح و جایگاه توانمندسازی مردم در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی اندک بوده است. در نتیجه می‌توان گفت، رابطه معنی‌داری بین ابعاد توانمندسازی روستایی پاسخگویان و توسعه اجتماعی روستایی وجود دارد. سواری و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش مدیریت مشارکتی در توانمندسازی جوامع محلی در مقابله با خشکسالی» به این نتیجه رسیدند که نقش مردم در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی برنامه‌ها در راستای توانمندسازی از اهمیت حیاتی برخوردار است و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی از بالا به پایین در تدوین پروژه‌های توانمندسازی شیوه مناسبی برای معیشت پایدار نخواهد بود.

## جدول ۱. ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های تبیین‌کننده متغیر توانمندسازی

منابع مورد استفاده	مولفه‌ها	ابعاد	پدیده
(حیدری ساربان، ۱۳۹۱)، (چرمچیان لنگرودی، ۱۳۹۲)، (حیدری ساربان، ۱۳۹۵)، (سام، ۲۰۱۷)، (یونت، ۲۰۱۷)، (کردناییج، ۱۳۹۴)، (قیصری، ۱۳۹۱)، (موغلی، ۱۳۸۸)، (ایران زاده، ۱۳۸۹)، (جزنی، ۱۳۹۰)، (مک لاگان، ۱۹۹۷)، (شهبازی، ۱۳۸۹)، (عباسی کارجکان، ۱۳۹۲)، (اعرابی، ۱۳۸۸)، (جعفریان، ۱۳۹۴)، (امامی، ۱۳۹۶)	خلاقیت مصمم در انجام کار ریسک پذیری خود اتکایی مسئله یابی	شایستگی	توانمندسازی
(حیدری ساربان، ۱۳۹۱)، (چرمچیان لنگرودی، ۱۳۹۲)، (حیدری ساربان، ۱۳۹۵)، (سام، ۲۰۱۷)، (یونت، ۲۰۱۷)، (موغلی، ۱۳۸۸)، (ایران زاده، ۱۳۸۹)، (جزنی، ۱۳۹۰)، (مک لاگان، ۱۹۹۷)، (شهبازی، ۱۳۸۹)، (عباسی کارجکان، ۱۳۹۲)، (اعرابی، ۱۳۸۸)، (جعفریان، ۱۳۹۴)، (امامی، ۱۳۹۶)	پذیرش رهبری ابتکار عمل تمرکز بر نتایج انگیزش درونی اثر بخشی	تأثیر	
(حیدری ساربان، ۱۳۹۱)، (چرمچیان لنگرودی، ۱۳۹۲)، (حیدری ساربان، ۱۳۹۵)، (سام، ۲۰۱۷)، (یونت، ۲۰۱۷)، (فرجی سبکیار، ۱۳۹۴)، (فراهانی، ۱۳۹۱)، (غیاثوند، ۱۳۸۱)، (توکلی، ۱۳۹۰)، (موغلی، ۱۳۸۸)، (ایران زاده، ۱۳۸۹)، (جزنی، ۱۳۹۰)، (مک لاگان، ۱۹۹۷)، (شهبازی، ۱۳۸۹)، (عباسی کارجکان، ۱۳۹۲)، (اعرابی، ۱۳۸۸)، (جعفریان، ۱۳۹۴)، (امامی، ۱۳۹۶)	پذیرش اجتماعی میزان تفاهم جمعی داشتن نگرش مثبت صداقت	اعتماد	
(حیدری ساربان، ۱۳۹۱)، (چرمچیان لنگرودی، ۱۳۹۲)، (حیدری ساربان، ۱۳۹۵)، (سام، ۲۰۱۷)، (یونت، ۲۰۱۷)، (قیصری، ۱۳۹۱)، (موغلی، ۱۳۸۸)، (ایران زاده، ۱۳۸۹)، (جزنی، ۱۳۹۰)، (مک لاگان، ۱۹۹۷)، (شهبازی، ۱۳۸۹)، (عباسی کارجکان، ۱۳۹۲)، (اعرابی، ۱۳۸۸)، (جعفریان، ۱۳۹۴)، (امامی، ۱۳۹۶)	خودمختاری خودآغازگر بودن هدایتگر بودن داوطلبانه	خود تعیینی	
(حیدری ساربان، ۱۳۹۱)، (چرمچیان لنگرودی، ۱۳۹۳)، (اسپریتزر، ۱۹۹۵)، (حیدری ساربان، ۱۳۹۵)، (سام، ۲۰۱۷)، (یونت، ۲۰۱۷)، (موغلی، ۱۳۸۸)، (ایران زاده، ۱۳۸۹)، (جزنی، ۱۳۹۰)، (مک لاگان، ۱۹۹۷)، (شهبازی، ۱۳۸۹)، (عباسی کارجکان، ۱۳۹۲)، (اعرابی، ۱۳۸۸)، (جعفریان، ۱۳۹۴)، (امامی، ۱۳۹۶)	مسئولیت پذیری با اهمیت بودن کار تفویض اختیار تشنه یادگیری	معناداری	

جدول ۲. ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های تبیین‌کننده متغیر سرمایه‌گذاری

پدیده	ابعاد	مولفه‌ها	منابع مورد استفاده
سرمایه‌گذاری	اکولوژیکی	تحول در منابع آب تحول در منابع اراضی سلامت اکوسیستم	(دارابی، ۱۳۸۴)، (بذرافشان، ۱۳۹۵)، (فراهانی، ۱۳۹۲)، (عنابستانی، ۱۳۹۰)، (لغمجانی، ۱۳۹۵)، (جمعه پور، ۱۳۹۵)، (حیدری ساربان، ۱۳۸۸)، (دیواکار، ۲۰۰۸)، (ورمیسانوپرادا، ۲۰۱۱)، (باسل، ۱۳۸۱)، (ربانی، ۱۳۸۶)، (فدیری معصوم، ۱۳۸۹)، (کیمیایی، ۱۳۹۰)، (طولابی نژاد، ۱۳۹۲)، (طولابی نژاد، ۱۳۹۴)
	اجتماعی	تثبیت جمعیت آموزش و دانش مشارکت ظرفیت‌سازی	(دارابی، ۱۳۸۴)، (بذرافشان، ۱۳۹۵)، (فراهانی، ۱۳۹۲)، (عنابستانی، ۱۳۹۰)، (جمعه پور، ۱۳۹۵)، (حیدری ساربان، ۱۳۹۳)، (ناصری، ۱۳۹۴)، (حیدری ساربان، ۱۳۸۸)، (لغمجانی، ۱۳۹۵)، (عنابستانی، ۱۳۹۰)، (دادورخانی، ۱۳۹۲)، (خوشفر، ۱۳۹۲)، (توکلی، ۱۳۹۰)، (رضایی، ۱۳۹۳)، (میرزایی، ۱۳۸۹)، (فرجی سبکبار، ۱۳۸۸)، (زرافشانی، ۱۳۹۱)، (افتخاری، ۱۳۹۴)، (روحانی، ۱۳۹۶)، (نارایان، ۲۰۰۲)، (چیپتا، ۲۰۰۵)، (پروین، ۲۰۰۴)، (دیواکار، ۲۰۰۸)، (سینک، ۲۰۱۳)، (فورمیسانوپرادا، ۲۰۱۱)، (عجانی، ۲۰۱۳)، (هیشی یاما، ۲۰۱۳)، (کوانی، ۲۰۱۳)، (پرینشی، ۲۰۱۴)، (رای و لسوکر، ۲۰۱۶)، (سام، ۲۰۱۷)، (بلک و میشلیچ، ۲۰۱۸)
	اقتصادی	اقتصاد خانوار بقا سرمایه در روستا افزایش و تنوع اشتغال دسترسی به منابع مالکیت هزینه	(دارابی، ۱۳۸۴)، (بذرافشان، ۱۳۹۵)، (فراهانی، ۱۳۹۲)، (عنابستانی، ۱۳۹۰)، (جمعه پور، ۱۳۹۵)، (ناصری، ۱۳۹۴)، (میرزایی، ۱۳۸۹)، (فرجی سبکبار، ۱۳۸۸)، (حیدری ساربان، ۱۳۹۲)، (زرافشانی، ۱۳۹۱)، (قنبری، ۱۳۹۲)، (بونفیک لیولی، ۲۰۰۳)، (پروین، ۲۰۰۴)، (چیپتا، ۲۰۰۵)، (ویکلندر، ۲۰۱۰)، (فورمیسانوپرادا، ۲۰۱۱)، (پرینشی، ۲۰۱۴)، (عجاز علی خان، ۲۰۱۵)، (رای و لسوکر، ۲۰۱۶)، (موسونر، ۲۰۱۶)، (ریوالیون، ۲۰۱۵)، (بلک و میشلیچ، ۲۰۱۸)، (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۱)، (لغمجانی، ۱۳۹۵)
	کالبدی - فضایی	بهبود زیرساخت دسترسی به خدمات و روابط عملکردی بهبود روابط فضایی مسکن	(دارابی، ۱۳۸۴)، (بذرافشان، ۱۳۹۵)، (فراهانی، ۱۳۹۲)، (عنابستانی، ۱۳۹۰)، (لغمجانی، ۱۳۹۵)، (جمعه پور، ۱۳۹۵)، (ناصری، ۱۳۹۴)، (کلانتری، ۱۳۸۹)، (نارایان، ۲۰۰۲)، (ریوالیون، ۲۰۱۵)، (فورمیسانوپرادا، ۲۰۱۱)، (پانگاناوار، ۲۰۱۵)

### ۳) روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی تحلیلی و مبتنی بر شیوه‌های کمی و کیفی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه ۱۵۲۵۵ خانوار روستایی (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که در ۶۷ روستای ناحیه کاشان زندگی می‌کنند را شامل می‌شود. حجم نمونه براساس روش کوکران ۳۱۶ خانوار روستایی تعیین شد (سرای، ۱۳۸۲، ۱۲۹). در این تحقیق با بهره‌گیری از روش طبقه‌بندی و بکارگیری ماتریس سه بعدی از شاخص‌های همچون میزان سرمایه‌گذاری دولتی (شاخص اثرگذار)، موقعیت جغرافیایی روستا و میزان جمعیت به عنوان شاخص‌های اثربخش تعیین روستاهای نمونه استفاده و در مجموع ۱۲ روستا انتخاب شد. در این مقاله برای سنجش روایی و پایایی پرسشنامه از نرم‌افزار SPSS استفاده شد، به گونه‌ای که با استفاده از



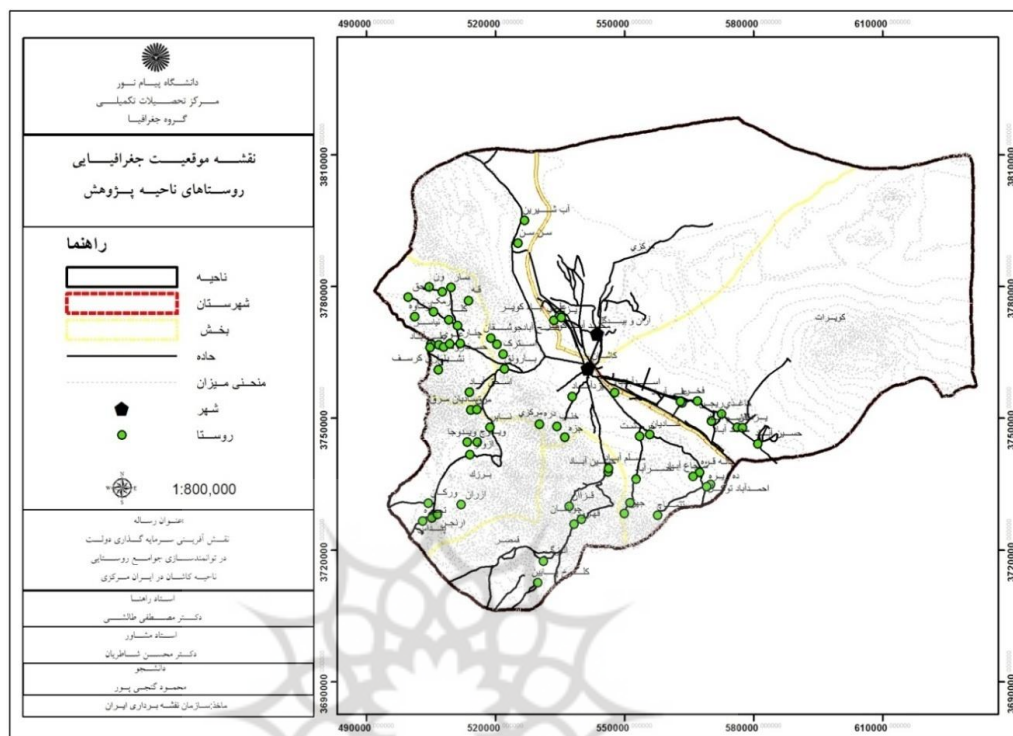
آزمون KMO، میزان روایی پرسشنامه سرپرستان خانوار روستایی برای سنجش سطح توانمندسازی روستاییان برابر با ۰/۸۶۷ و روایی پرسشنامه سرپرستان خانوار روستایی برای سنجش سرمایه‌گذاری دولت برابر با ۰/۸۲۶ محاسبه شده است. همچنین براساس نتایج آزمون اعتبار سازه‌ای، ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده از پرسشنامه سرپرستان خانوار روستایی برای سنجش سطح توانمندسازی روستاییان معادل ۰/۹۷۴ و پرسشنامه سرپرستان خانوار روستایی برای سنجش سرمایه‌گذاری دولت معادل ۰/۸۴۶ می‌باشد. بدین ترتیب روایی و پایایی پرسشنامه تایید می‌گردد. برای تبیین رابطه میان متغیر مستقل و وابسته با توجه به ماهیت فرضیات از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیونی و ضریب تعیین (R<sup>2</sup>) در نرم افزار SPSS استفاده شد.

جدول ۳. ویژگی‌های روستاهای نمونه و تعیین تعداد نمونه در هر روستا

ردیف	نام شهرستان	نام بخش	نام روستا	خانوار	جمعیت	موقعیت	اعتبارات دولتی (میلیون ریال)	تعداد نمونه
۱	کاشان	مرکزی	جوشقان	۶۷۷	۲۰۳۵	دشتی	۱۴۰۳۳	۴۲
۲			استرک	۶۰۹	۱۸۰۰		۱۴۱۷۸	۳۸
۳		نیاسر	ارمک	۱۷۴	۴۴۹	پایکوهی و دامنه ای	۳۵۴۱	۹
۴			سار	۱۳۲	۳۷۰		۲۹۱۸	۸
۵		برزک	ویدوجا	۴۳۷	۱۳۴۶		۹۸۷۰	۲۸
۶			ویدوج	۵۴۶	۱۶۳۸		۱۲۹۰۲	۳۴
۷		قمصر	قهرود	۳۷۱	۱۰۷۴	کوهستانی و مرتفع	۹۴۲۶	۲۳
۸			قرآن	۲۸۱	۷۲۹		۵۷۴۹	۱۶
۹	آران و بیدگل	کویرات	فخره	۱۴۳	۴۹۰	پست و کویری	۴۹۹۳	۱۰
۱۰			محمدآباد	۶۳۱	۲۱۰۴		۱۷۱۵۷	۴۴
۱۱			ریجن	۲۲۲	۶۸۴		۵۲۶۷	۱۴
۱۲		مرکزی	یزدل	۷۷۶	۲۳۹۱	۱۷۷۵۳	۵۰	
۱۳			جمع	۵۰۶۷	۱۵۲۷۴	-	۱۲۱۶۴۱	۳۱۶

روش تحقیق مقاله حاضر در این پژوهش ناحیه کاشان محدوده مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد. براین مبنا ناحیه مورد مطالعه در عرض جغرافیایی ۳۳°۲۸' تا ۳۴°۳۰' دقیقه و طول جغرافیایی ۵۰°۵۲' تا ۵۲°۲۵' واقع شده است. از لحاظ تقسیمات سیاسی این ناحیه شامل دو شهرستان کاشان و همچنین آران و بیدگل است. بر این اساس محدوده مورد مطالعه دربر دارنده ۶ بخش، ۱۱ دهستان می‌گردد. در این محدوده ۶۷ روستا و ۱۱ شهر واقع است. در سال ۱۳۹۵ از مجموع جمعیت ۴۶۲۰۰۲ نفری ناحیه کاشان ۹۰٪/۱ در مناطق شهری و ۹٪/۸ در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند که بیانگر این موضوع است که

شهرنشینی در ناحیه کاشان به اوج خود رسیده است. لذا می‌توان گفت جمعیتی معادل ۴۵۷۳۷ نفر (۱۵۲۵۵ خانوار) در روستای ناحیه کاشان زندگی می‌کنند (مرکزآمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۱. موقعیت روستاهای مورد مطالعه در ناحیه کاشان

#### (۴) یافته‌های تحقیق

##### وضعیت مولفه‌های توانمندسازی در روستاهای نمونه ناحیه کاشان

برای اینکه وضعیت مولفه‌های توانمندسازی در روستاهای مورد مطالعه بهتر تبیین و تحلیل گردد، هم معناداری متغیر توانمندسازی و ابعاد آن و هم میانگین تفاوت‌ها مشخص شد. داده‌های جدول (۴) نشان می‌دهد تمامی ابعاد سنجش توانمندسازی روستاهای مورد مطالعه معنادار بوده‌اند. اما به لحاظ میانگین، تفاوت‌هایی بین ابعاد توانمندسازی مشاهده می‌شود، بنابراین نمی‌توان گفت که تمامی روستاهای مورد مطالعه از لحاظ وضعیت ابعاد توانمندسازی در حالت مطلوب و یکسانی به سر می‌برند. بعد معنی‌داری با میانگین  $3/53$  بیشترین میانگین و بعد تاثیر با میانگین  $3/10$  دارای کمترین میانگین در بین ۵ بعد مورد نظر بوده‌اند. همچنین از نظر میانگین تفاوت‌ها، کلیه ابعاد بالاتر از حد متوسط میانگین‌ها بوده و این مسئله بیانگر آن است که پاسخگویان وضع این ابعاد را در روستاهای خود مثبت ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۴. آزمون تک نمونه‌ای جهت سنجش ابعاد توانمندسازی روستاییان

متغیر	معیار تست	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	T	df	سطح معناداری	میانگین تفاوت‌ها	تفاوت در سطح ۹۵٪ اطمینان	
										پایین ترین	بالا ترین
خود تعینایی	۳	۳۱۶	۳/۱۸	۰/۸۱۱۰	۰/۰۴۵۶	۴/۱۱	۳۱۵	۰/۰۰۰	۰/۱۸	۰/۰۹	۰/۲۷
شایستگی	۳	۳۱۶	۳/۱۳	۰/۶۶۰۶	۰/۰۳۷۱	۳/۵۵	۳۱۵	۰/۰۰۰	۰/۱۳	۰/۰۵	۲۰
معنی داری	۳	۳۱۶	۳/۵۳	۰/۷۰۷۳	۰/۰۳۹۷	۱۳/۳۹	۳۱۵	۰/۰۰۰	۰/۵۳	۰/۴۵	۰/۶۱
تاثیر	۳	۳۱۶	۳/۱۰	۰/۶۱۹۵	۰/۰۳۴۸	۳/۱۳	۳۱۵	۰/۰۰۲	۰/۱۰	۰/۰۴	۰/۱۷
اعتماد	۳	۳۱۶	۳/۳۸	۰/۵۵۹۸	۰/۰۳۱۴	۱۲/۲۰	۳۱۵	۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۳۲	۰/۴۴

در نهایت داده‌های جدول (۵) نشان می‌دهد که میانگین دیدگاه پاسخ‌دهندگان در توانمندسازی ۳/۲۶ به دست آمده است که بزرگتر از حد وسط طیف لیکرت است. مقدار معناداری نیز  $\text{Sig}=0/000$  به دست آمده است که کوچکتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین میانگین مشاهده شده معنادار است. مقدار آماره  $t$  نیز (۷/۹۱) به دست آمده است که از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است. لذا به استناد هر یک از یافته‌های آماری با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که سطح توانمندسازی در روستاهای مورد مطالعه از حد متوسط بالاتر است که در نتیجه روستاهای نمونه به لحاظ توانمندسازی در وضعیت مطلوب و مناسبی به سر می‌برد.

جدول ۵. آزمون تک نمونه‌ای جهت سنجش متغیر توانمندسازی روستاییان

متغیر	معیار تست	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	T	df	سطح معناداری	میانگین تفاوت‌ها	تفاوت در سطح ۹۵٪ اطمینان	
										پایین ترین	بالا ترین
توانمندسازی	۳	۳۱۶	۳/۲۶	۰/۶۰۴۳	۰/۰۳۴۰	۷/۹۱	۳۱۵	۰/۰۰۰	۰/۲۶	۰/۲۰	۰/۳۳

#### وضعیت مولفه‌های سرمایه‌گذاری در روستاهای نمونه ناحیه کاشان

داده‌های جدول (۶) نشان می‌دهد که دو بعد اکولوژیکی (۰/۲۰۴) و اجتماعی (۰/۲۸۴) برای سنجش سرمایه‌گذاری روستاهای مورد مطالعه، معنادار نبوده ولی دو بعد اقتصادی و کالبدی - فضایی معنادار هستند. به لحاظ میانگین، تفاوت‌هایی بین ابعاد از جنبه سرمایه‌گذاری مشاهده می‌شود، بنابراین نمی‌توان گفت که تمامی روستاهای مورد مطالعه از لحاظ وضعیت سرمایه‌گذاری در حالت مطلوبی به سر می‌برند. بعد اجتماعی با میانگین ۳/۰۳ بیشترین میانگین و بعد اقتصادی با میانگین ۲/۱۵ دارای کمترین میانگین در بین ۴ بعد مورد نظر بوده‌اند. همچنین از نظر میانگین تفاوت‌ها، سه بعد اکولوژیکی، اقتصادی و

کالبدی- فضایی، پایین‌تر از حد متوسط میانگین‌ها بوده و این مسئله بیانگر آن است که پاسخگویان وضع این ابعاد را در روستاهای خود منفی ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۶. آزمون تک نمونه‌ای جهت سنجش ابعاد سرمایه‌گذاری

متغیر	معیار تست	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	T	df	سطح معناداری	میانگین تفاوت‌ها	تفاوت در سطح ۹۵٪ اطمینان	
										پایین‌ترین	بالا‌ترین
اکولوژی	۳	۳۱۶	۲/۹۶	۰/۴۹۱۲	۰/۰۲۷۶	-۱/۲۷	۳۱۵	۰/۲۰۴	-۰/۰۳	-۰/۰۸	۰/۰۱
اقتصادی	۳	۳۱۶	۲/۱۵	۰/۳۹۴۳	۰/۰۲۲۱	-۳۸/۰۶	۳۱۵	۰/۰۰۰	-۰/۸۴	-۰/۸۸	-۰/۸۰
اجتماعی	۳	۳۱۶	۳/۰۳	۰/۵۳۷۷	۰/۰۳۰۲	۱/۰۷	۳۱۵	۰/۲۸۴	۰/۰۳	-۰/۰۲	۰/۰۹
کالبدی-فضایی	۳	۳۱۶	۲/۷۸	۰/۳۶۰۱	۰/۰۲۰۲	-۱۰/۵۵	۳۱۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۱	-۰/۲۵	-۰/۱۷

در نهایت داده‌های جدول (۷) نشان می‌دهد که میانگین دیدگاه پاسخ‌دهندگان در سرمایه‌گذاری ۲/۷۳ به دست آمده است که کوچکتر از حد وسط طیف لیکرت است. مقدار معناداری نیز  $\text{Sig}=0/000$  به دست آمده است که کوچکتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین میانگین مشاهده شده معنادار است. مقدار آماره  $t$  نیز  $(-۱۴/۷۳)$  به دست آمده است که از مقدار بحرانی  $۱/۹۶$  کوچکتر است. لذا به استناد هر یک از یافته‌های آماری با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که سطح سرمایه‌گذاری در روستاهای مورد مطالعه از حد متوسط پایین‌تر است که در نتیجه روستاهای نمونه به لحاظ سرمایه‌گذاری در وضعیت مطلوب و مناسبی به سر نمی‌برد.

جدول ۷. آزمون تک نمونه‌ای جهت سنجش متغیر سرمایه‌گذاری

متغیر	معیار تست	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	T	df	سطح معناداری	میانگین تفاوت‌ها	تفاوت در سطح ۹۵٪ اطمینان	
										پایین‌ترین	بالا‌ترین
سرمایه‌گذاری	۳	۳۱۶	۲/۷۳	۰/۳۲۰۰	۰/۰۱۸۰	-۱۴/۷۳	۳۱۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۶	-۰/۳۰	-۰/۲۲

### تحلیل رابطه بین توانمندسازی و سرمایه‌گذاری

این تحقیق برای پاسخگویی به این سوال طراحی شده است که آیا سرمایه‌گذاری دولت به عنوان یک متغیر بیرونی توانسته است زمینه‌ساز توانمندسازی روستاییان ناحیه کاشان را فراهم کند و این اقدامات تا چه میزان بر مبنای شناخت و فضای روستاها بوده است.

پس از آگاهی و شناخت از وضعیت توانمندسازی و سرمایه‌گذاری در روستاهای ناحیه کاشان آگاهی از وجود رابطه و همبستگی بین دو متغیر توانمندسازی و سرمایه‌گذاری، از اهمیت کانونی برخوردار است. برای واکاوی این موضوع و همچنین آزمون فرضیات، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد تا

هدف آن، که شناخت رابطه بین این دو متغیر و همچنین شدت رابطه است، به دست آید. ضریب همبستگی پیرسون بر مبنای کواریانس دو متغیر و انحراف معیار آنها تنظیم شده است. مثبت بودن ضریب حاصل از این روش به معنای وجود رابطه مثبت و منفی بودن آن به معنای رابطه معکوس میان این دو متغیر است.

در نهایت یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی نشان می‌دهد رابطه معنادار و بالایی بین سرمایه‌گذاری و توانمندسازی روستاییان وجود دارد. داده‌های آماری حاصل از پرسشنامه‌های خانوار روستایی ( $n=316$ ) حاکی از وجود رابطه معنادار بین دو متغیر است. براساس یافته‌های تحقیق، سطح معناداری بین دو متغیر سرمایه‌گذاری و توانمندسازی روستاییان، کمتر از  $0/05$  (آلفا کوچکتر از  $0/05$ ) و رابطه قوی، مثبت و مستقیم بین دو متغیر وجود دارد، به طوری که ضریب همبستگی بین دو متغیر فوق،  $0/507$  بوده است. با توجه به یافته‌های حاصل از جدول (۸) می‌توان گفت که هرچه سرمایه‌گذاری در روستاها بهتر شود، توانمندسازی روستاییان نیز بهبود می‌یابد و برعکس، یا کاهش سرمایه‌گذاری در روستاها توانمندسازی روستاییان نیز کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر در نتیجه وجود همبستگی مستقیم بین دو متغیر تحقیق، با افزایش X، افزایش Y را نیز خواهیم داشت.

**جدول ۸. ضریب همبستگی بین عامل سرمایه‌گذاری و توانمندسازی روستاییان**

پدیده	آزمون پیرسون	توانمندسازی	سرمایه‌گذاری
توانمندسازی	ضریب همبستگی	۱/۰۰۰	۰/۵۰۷
	معناداری	-	۰/۰۰۰
سرمایه‌گذاری	ضریب همبستگی	۰/۵۰۷	۱/۰۰۰
	معناداری	۰/۰۰۰	-

در سطح خردتر، برای اینکه تحلیل داده‌ها در سطح ابعاد هر یک از دو متغیر نیز انجام شود، جدول (۸) طراحی شد. براساس داده‌ای حاصل از جدول (۹)، تحلیل همبستگی بین هر یک از ابعاد سرمایه‌گذاری (به عنوان متغیر مستقل) و توانمندسازی روستاییان (به عنوان متغیر وابسته) انجام شد.

## جدول ۹. همبستگی بین متغیرهای ابعاد سرمایه‌گذاری (متغیر مستقل) و ابعاد توانمندسازی (متغیر وابسته)

متغیر توانمندسازی	خود تعیینی		شایستگی		معناداری		تاثیر		اعتماد		توانمندسازی	
	ضریب همبستگی	معناداری	ضریب همبستگی	معناداری	ضریب همبستگی	معناداری	ضریب همبستگی	معناداری	ضریب همبستگی	معناداری	ضریب همبستگی	معناداری
متغیر سرمایه‌گذاری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
اکولوژی	۰/۰۰۰	۰/۲۸۱	۰/۰۰۰	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	۰/۳۸۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۶۵	۰/۰۰۰	۰/۳۱۶	۰/۳۶۳
اقتصادی	۰/۰۰۰	۰/۰۲۱	۰/۰۲۲	۰/۱۲۹	۰/۰۸۹	۰/۱۱۴	۰/۰۲۳	۰/۱۲۸	۰/۰۲۷	۰/۱۲۴	۰/۰۶۵	۰/۱۰۴
اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۶۷۴	۰/۰۰۰	۰/۶۴۶	۰/۵۶۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۰۶	۰/۰۰۰	۰/۴۸۳	۰/۰۰۰	۰/۶۶۸
کالبدی-فضایی	۰/۰۲۶	۰/۱۲۵	۰/۰۲۱	۰/۱۳۰	۰/۰۰۰	۰/۲۴۵	۰/۰۱۱	۰/۱۴۳	۰/۰۰۰	۰/۲۴۲	۰/۰۰۱	۰/۱۹۴
سرمایه‌گذاری	۰/۰۰۰	۰/۴۳۳	۰/۰۰۰	۰/۴۹۶	۰/۰۰۰	۰/۴۸۳	۰/۰۰۰	۰/۴۳۶	۰/۰۰۰	۰/۴۳۱	۰/۰۰۰	۰/۵۰۷

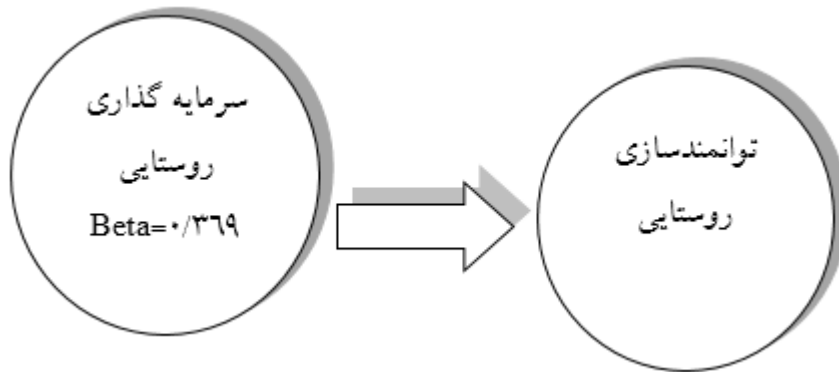
برای نشان دادن میزان تاثیرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون دو متغیره استفاده شد. جدول (۱۰) نشان‌دهنده میزان رابطه و تاثیرگذاری سرمایه‌گذاری روستایی بر توانمندسازی روستاییان است. نتایج حاصل از جدول، حاکی از آن است که دو متغیر مذکور با یکدیگر رابطه معنادار دارند و مقدار آلفا کوچکتر از ۰/۰۵ است و این بدین معناست که متغیر مستقل بر متغیر وابسته تاثیر دارد و تغییرات متغیر وابسته (توانمندسازی روستاییان) را تبیین می‌کند. از سوی دیگر،  $F$  مشاهده شده در سطح ۰/۰۵ معنادار است که نشان می‌دهد رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته در معادله رگرسیون، خطی است.

## جدول ۱۰. رگرسیون دو متغیره تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته در سطح روستاهای ناحیه کاشان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد روستا	نشده (B)	ضریب استاندارد شده (BETA)	ضریب استاندارد شده (BETA)	T	سطح معناداری T	R	R2	F	سطح معناداری
سرمایه‌گذاری	توانمندسازی	۱۲	۰/۲۳۴	۰/۳۶۹	۰/۳۶۹	۷/۰۲۹	۰/۰۰۰	۰/۳۶۹	۰/۱۳۶	۴۹/۴۰۴	۰/۰۰۰

همانطور که جدول (۱۰) نشان می‌دهد، هرچه BETA و T به دست آمده بزرگتر و سطح معناداری کوچکتر باشد، بدین معنی است که متغیر مستقل تاثیر زیادی بر متغیر وابسته دارد. با توجه به نتایج رگرسیونی بین دو متغیر که  $\text{sig}=0/000$  و آلفا، کوچکتر از ۰/۰۵ است و با توجه به مقدار R2 (ضریب تعیین)، می‌توان گفت که متغیر وابسته متأثر از متغیر مستقل است (بازرگان و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۲۱۵). براساس ضریب تعیین، ۱۳ درصد از واریانس متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل تبیین می‌شود. ضریب

بتا (BETA) نیز نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین دو متغیر مستقل و وابسته است. در نتیجه، از طریق تحلیل رگرسیون دو متغیره می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش سرمایه‌گذاری روستایی، میزان و سطح توانمندسازی روستاییان ناحیه نیز افزایش پیدا می‌کند (شکل ۲).



شکل ۲. تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته براساس مدل رگرسیون

برای تبیین تأثیر هر یک از ابعاد متغیر مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیره استفاده شده و نتایج آن به شرح جدول (۱۱) آمده است.

جدول ۱۱. رگرسیون چند متغیره تأثیر هر یک از ابعاد متغیر مستقل بر متغیر وابسته در روستاهای ناحیه کاشان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد روستا	ضریب استاندارد نشده (B)	ضریب استاندارد شده (BETA)	T	سطح معناداری T	R	R2	F	سطح معناداری
سرمایه گذاری اکولوژی	توانمندسازی	۱۲	۰/۲۸۲	۰/۲۲۸	۴/۵۰۴	۰/۰۰۰	۰/۵۳۰	۰/۲۸۱	۳۰/۳۸۷	۰/۰۰۰
سرمایه گذاری اقتصادی	توانمندسازی	۱۲	-۰/۱۰۳	-۰/۰۶۴	-۱/۲۴۲	۰/۲۱۵				
سرمایه گذاری اجتماعی	توانمندسازی	۱۲	۰/۳۰۰	۰/۲۵۶	۴/۹۱۴	۰/۰۰۰				
سرمایه گذاری کالبدی-فضایی	توانمندسازی	۱۲	۰/۴۱۴	۰/۳۰۱	۵/۷۷۰	۰/۰۰۰				

جدول (۱۱) نشان می‌دهد که ما یک مدل با معنی‌داری بالا داریم  $F=30/387$  و  $P \leq 0/000$ . براساس جدول فوق سرمایه‌گذاری اکولوژیکی، سرمایه‌گذاری اجتماعی و سرمایه‌گذاری کالبدی - فضایی رابطه معناداری با متغیر وابسته (توانمندسازی) داشته، اما متغیر سرمایه‌گذاری کالبدی - فضایی ( $BETA=0/301$ )، سرمایه‌گذاری اجتماعی ( $BETA=0/256$ ) و سرمایه‌گذاری

اکولوژیکی ( $BETA=0/228$ )، بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته (توانمندسازی) داشته‌اند. همچنین برای هر واحد افزایش در سرمایه‌گذاری اقتصادی، توانمندسازی تقریباً  $0/064$  - کاهش می‌یابد. این متغیر مستقل به صورت معنی‌داری در واریانس توانمندسازی سهم ندارد. لذا این متغیر توان پیش‌بینی ندارد. ضرایب زاویه ( $BETA$ ) برای سرمایه‌گذاری اقتصادی به صورت معنی‌داری بزرگتر از صفر نیست. آن در واریانس متغیر وابسته (توانمندسازی) سهم ندارد (هنگام بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی روستاییان آن از اهمیت خاصی برخوردار نبوده است).

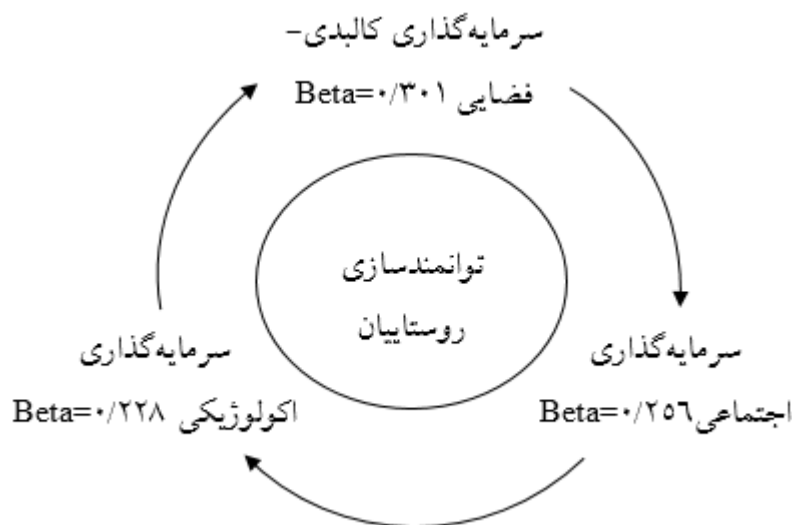
اما به نظر می‌رسد که برای هر واحد افزایش در سرمایه‌گذاری کالبدی - فضایی، توانمندسازی به اندازه  $0/301$  بهبود می‌یابد. بنابراین این متغیر مستقل (سرمایه‌گذاری کالبدی - فضایی) به صورت معنی‌داری در واریانس متغیر وابسته (توانمندسازی) سهم دارد. برای هر واحد افزایش در سرمایه‌گذاری اجتماعی، توانمندسازی به اندازه  $0/256$  بهبود می‌یابد. بنابراین این متغیر مستقل (سرمایه‌گذاری اجتماعی) به صورت معنی‌داری در واریانس متغیر وابسته (توانمندسازی) سهم دارد و برای هر واحد افزایش در سرمایه‌گذاری اکولوژیکی، توانمندسازی به اندازه  $0/228$  بهبود می‌یابد. بنابراین این متغیر مستقل (سرمایه‌گذاری اکولوژیکی) به صورت معنی‌داری در واریانس متغیر وابسته (توانمندسازی) سهم دارد.

لذا می‌توان گفت در سرمایه‌گذاری روستایی، سرمایه‌گذاری کالبدی - فضایی بیشتر در محیط‌های روستایی در تحقق توانمندسازی روستاییان بیشترین تاثیر را داشته و سرمایه‌گذاری اجتماعی که فی‌نفسه توانمندساز است به توانمندسازی روستاییان نیز کمک می‌کند. در نهایت می‌توان گفت علاوه بر متغیرهای سرمایه‌گذاری کالبدی - فضایی، سرمایه‌گذاری اجتماعی و اکولوژیکی متغیر سرمایه‌گذاری اقتصادی نیز از نظر روستاییان تاثیر کمی بر متغیر وابسته (توانمندسازی) در روستاهای ناحیه کاشان داشته است. با توجه به این موضوع، میزان سهم هر یک از ابعاد متغیر مستقل بر متغیر وابسته در شکل‌های (۳) و (۴) به نمایش گذاشته شده است. با توجه به تحلیل رگرسیون چند متغیره، سهم هر یک از ابعاد سرمایه‌گذاری بر توانمندسازی روستاییان معلوم می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که هرچه میزان و سهم سرمایه‌گذاری روستایی در ناحیه کاشان (در این تحقیق، ابعاد سرمایه‌گذاری کالبدی - فضایی، سرمایه‌گذاری اجتماعی و سرمایه‌گذاری اکولوژیکی) افزایش یابد، توانمندسازی روستاییان نیز افزایش می‌یابد.



شکل ۳. رگرسیون تاثیر ابعاد سرمایه‌گذاری بر توانمندسازی روستاییان





شکل ۴. تاثیر ابعاد متغیر مستقل بر متغیر وابسته

## (۵) نتیجه گیری

همانطور که در مبانی نظری تحقیق نیز مطرح شد توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه، بدون نقش آفرینی دولت امکان پذیر نیست. در ایران نیز توسعه روستایی فرایندی با نقش آفرینی غالب دولت است. لذا بعد از گذشت ۶۰ سال از برنامه ریزی متمرکز و حدود یک دهه تاکید بر رویکرد توانمندسازی در ایران و اتخاذ سیاست‌های مربوط به رهیافت توانمندسازی روستاییان در برنامه‌های توسعه در صورتی که روستا به عنوان یک نظام سکونتی - فعالیتی فرض شود، ورود متغیری جدید منجر به تغییراتی در این سیستم می‌گردد. دولت انتظار دارد این تغییرات به توانمندسازی روستاییان منجر گردد. لذا این مقاله نقدی را بر نظام برنامه ریزی روستایی در اسناد بعد از انقلاب اسلامی در باب توانمندسازی جوامع روستایی دنبال می‌نماید که این موضوع هم مباحث نوآوری لازم را دوچندان خواهد کرد. چراکه اکثریت پژوهش‌ها مقوله توانمندسازی را در ارتباط با روند توسعه روستاها بررسی کرده‌اند؛ حال آنکه، نقش برنامه ریزی در توانمندسازی روستاییان در فراگرد توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی با تاکید بر رویکرد حاکم بر فرایند آن، موضوعی است که کمتر بدان پرداخته شده است.

یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی از وجود رابطه قوی، مثبت و مستقیم بین دو متغیر سرمایه گذاری و توانمندسازی روستاییان ( $P=0/000$ ) حکایت دارد، به طوری که ضریب همبستگی بین دو متغیر فوق،  $0/507$  بوده که می‌توان گفت هرچه سرمایه گذاری در روستاها بهتر شود، توانمندسازی روستاییان نیز بهبود می‌یابد و برعکس، با کاهش سرمایه گذاری در روستاها توانمندسازی روستاییان نیز کاهش می‌یابد. در تبیین تاثیر هر یک از ابعاد متغیر مستقل بر متغیر وابسته مشخص شد که سرمایه گذاری اکولوژیکی، سرمایه گذاری اجتماعی و سرمایه گذاری کالبدی - فضایی رابطه معناداری با متغیر وابسته (توانمندسازی) داشته و به ترتیب متغیر سرمایه گذاری کالبدی - فضایی ( $BETA=0/301$ )، سرمایه گذاری اجتماعی ( $BETA=0/256$ ) و سرمایه گذاری اکولوژیکی ( $BETA=0/228$ )، بیشترین تاثیر را بر متغیر

وابسته (توانمندسازی) داشته‌اند. لذا می‌توان گفت سرمایه‌گذاری کالبدی- فضایی بیشتر در محیط‌های روستایی در تحقق توانمندسازی روستاییان تاثیر داشته و سرمایه‌گذاری اجتماعی که فی‌نفسه توانمندساز است به توانمندسازی روستاییان کمک می‌کند.

بنابراین توانمندسازی روستایی به عنوان رویکردی جدید در توسعه مناطق روستایی، با دیدی نظام‌مند و یکپارچه و ترکیبی مطالعه می‌شود تا در سایه آن خود تعیینی، شایستگی، تاثیر، معنی‌داری و اعتماد به عنوان موتور محرکه توانمندسازی در اجتماعات روستایی بروز کند و سازماندهی شود تا از این طریق بتوان حق توسعه‌یافتگی و زندگی شرافتمندانه را در فضای روستایی تحقق عینی بخشید. در واقع، روستاها به دلیل ماهیت ساختاری و کارکردی خود با همه عوامل زندگی بشری ارتباط دارند و نمی‌توان با نگاه تک بعدی به آن، چالش‌های پیش رو را حل کرد. درنگاه ترکیبی، همه عوامل در توانمندسازی روستاییان موثرند و نبود یکی از عوامل، فرایند توانمندسازی جوامع روستایی را با چالش روبه رو می‌کند.

بنابر آنچه آمد، از نتایج مقاله چند نکته راهبردی حاصل می‌شود: عدم بررسی و ارزیابی دقیق تحولات درون روستاها بعد از ورود سرمایه‌گذاری‌ها و از سوی دیگر برداشت‌های متفاوت از مفاهیم ظرفیت‌سازی و توانمندسازی در عمل موجب شده است تا معضلات جامعه روستایی پابرجا بماند. به طور مختصر پیشنهادات به شرح ذیل بیان می‌شود:

- تدوین و طراحی استراتژی برای توسعه به ویژه توسعه روستایی الزامی است؛
- در برنامه‌ریزی روستایی حذف نگرش خدماتی و جایگزینی نگرش توسعه‌ای لازم و ضروری است؛
- با توجه به تفاوت‌های مکانی - فضایی، در برنامه‌ریزی‌ها ویژگی‌ها و عناصر کلیدی هر مکان و فضا شناسایی و بر اساس آنها برنامه‌ریزی به عمل آید؛
- در برنامه‌ریزی‌ها در مرحله شناخت، فراتر رفتن از عقلانیت اداری و بروکراتیک به منظور درک نیازها و عقلانیت مردم و انعکاس آن در برنامه‌ریزی‌ها ضروری است؛
- توانمندسازی به عنوان هدف در نظر گرفته شود و نه ابزار؛ و
- در فرایند سرمایه‌گذاری دولت توانمندسازی و ظرفیت‌سازی به صورت برجسته و به عنوان هدف تعقیب شوند.

## ۶ منابع

- ابراهیم بای‌سلامی، غلام حیدر، (۱۳۸۶)، مناسبات دولت و جامعه از دیدگاه جامعه‌شناختی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، صص ۱۷۵-۱۵۱.
- امیراحمدی، هوشنگ، (۱۳۸۱)، جامعه سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۷۹)، اندیشه‌های نوسازی در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جلائی‌پور، حمیدرضا، آزاد ارمکی، تقی، کلانتری، غلامحسین، بقایی‌سرایبی، علی (۱۳۹۳)، تحول تیپ‌های رابطه‌ای دولت- جامعه در فرایند توسعه شهری: از وابستگی به توانمندسازی، مدیریت شهری، شماره ۳۵، صص ۱۳۲-۱۲۱.

- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، حیدری ساریان، وحید، (۱۳۹۶)، توانمندسازی روستایی (اصول بنیادین، رهیافت‌ها، نظریه‌ها و تجارب)، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- سراپی، حسن، (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، تهران، انتشارات سمت.
- سعیدی، عباس، دارابی، حسن، (۱۳۸۵)، نقش سرمایه‌گذاری عمرانی دولت در تثبیت جمعیت روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳، صص ۷۴-۵۳.
- سواری، مسلم و اسکندری‌دامنه، حامد، (۱۳۹۸)، نقش مدیریت مشارکتی در توانمندسازی جوامع محلی در مقابله با خشکسالی در جنوب استان کرمان، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۳، شماره ۲، صص ۱۷۱-۱۲۳.
- شفیعی ثابت، ناصر، رهبری، مهناز، (۱۳۹۷)، مدیریت روستایی، توانمندسازی روستاییان و تحولات محیطی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: استان سمنان)، سیزدهمین کنگره انجمن جغرافیای ایران، صص ۷۲۶.
- شفیعی ثابت، ناصر، حسینی‌حاصل، صدیقه، رهبری، مهناز، (۱۳۹۸)، سنجش مدیریت روستایی، توانمندسازی ذینفعان محلی و تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: استان سمنان)، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۵، صص ۱۱۳-۱۳۲.
- شفیعی ثابت، ناصر، میرواحدی، نگین سادات، (۱۳۹۸)، الگوی برنامه‌ریزی توسعه روستایی با تاکید بر پارادایم‌های نوین (مطالعه موردی: شهرستان‌های پاکدشت و ری در پیرامون کلانشهر تهران)، توسعه پایدار محیط جغرافیایی، سال ۱، شماره ۲، صص ۶۷-۵۳.
- شفیعی ثابت، ناصر، میرواحدی، نگین سادات، (۱۳۹۸)، واکاوی تاثیرات رویکرد برنامه‌ریزی در توانمندسازی روستاییان در فراگرد توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان‌های پاکدشت و ری)، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۹، شماره ۳۳، صص ۱۰۴-۸۷.
- عظیمی‌آملی، جلال. و رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۳)، حکمروایی روستایی (مدیریت توسعه پایدار)، سمت. تهران.
- قربانی، مهدی، حاج‌علیزاده، احمد، حیدروند، مسعود، (۱۳۹۸)، تاثیر ابعاد توانمندسازی و نقش میانجیگری خودکارآمدی بر تمایل به راه‌اندازی کسب و کار پایدار روستایی، پژوهش‌های روستایی، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۴۴۱-۴۵۱.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان آران و بیدگل، تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان کاشان، تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۸۳)، مجموعه قوانین برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، معاونت پژوهش تدوین و تنقیح قوانین و مقررات
- وودز، مایکل، (۱۳۹۰)، جغرافیای روستایی (فرایندها، واکنش‌ها و تجربه‌های بازساخت روستایی)، ترجمه محمدرضا رضوانی و صامت فرهادی، انتشارات دانشگاه تهران.
- Amundsen, S., & Martinsen, Q.L., 2015, **Linking empowering leadership to job satisfaction, work effort, and creativity: The role of self-leadership and Psychological Empowerment**, Journal of Leadership & Organizational Studies, 22
- Aniah, Ph. Katherine, M. Ayemobilla, J., 2019, **Smallholder farmers' livelihood adaptation to climate variability and ecological changes in the savanna agro ecological zone of Ghana**. Heliyon, Volume 5, Issue 4, 145.
- Assche, K.V., Duineveld, M. & Beunen, R., 2014, **Power and contingency in Planning**, Environment and Planning, 46(10), 2385.
- Bleck, J. & Michelitch, K., 2018, **Is women's empowerment associated with political knowledge and opinions? Evidence from rural Mali**, World Development, 106, 299.

- Chen, Z., Li, L., Li, T., 2016, **The organizational evolution, systematic construction and empowerment of Langde Miao s community tourism**, *Tourism Management*, Vol.28, No.6,
- Cumming, T.G. & Worly, C.G., 2014, **Organization Development and Change**, Cengage Learning.
- Dubosi, M., 1991, **The Governance of the Third World: A Foucauldian Perspective on Power Relations in Development**, *Alternatives: Global, Local, Political*, 16(1), 1.
- Ejaz Ali Khan, R., Rehman, H. & Abrar-ul-Haq, M., 2015, **Determinants of Rural Household Poverty: The Role of Household Socioeconomic Empowerment**, *American-Eurasian J. Agric. & Environ. Sci.*, 15 (1), 93.
- Fernandez, S., & Moldogaziev, T., 2015, **Employee Empowerment and Job Satisfaction in the U.S. Federal Bureaucracy: A Self-Determination Theory 16 Perspective**, *the American Review of Public Administration* July 1, 45(4), 375-401.
- Giampiccoli, A., & Mtapuri, O., 2012, **Community-based tourism: An exploration of the concept (s) from a political perspective**, *Tourism Review International*, 16(1), 29.
- Kumar, A., 2004, **The Development State in History and in the Twentieth Century**, Regency Publications.
- Michalek, J. & Zarnekow, N., 2012, **Application of the Rural Development Index to Analysis of Rural Regions in Poland and Slovakia**, *Social Indicators Research*, 105 و 1.
- Migdal, J.S., 1988, **Strong Societies and Weak States: State-Society Relations and State Capabilities in the Third World**, Princeton University Press.
- Moseley, M., 2003, **Rural Development**, Sage, London.
- Rai, P. & Smucker, T.A., 2016, **Empowering through entitlement? The micro-politics of food access in rural Maharashtra**, India, *Journal of Rural Studies*, 45, 260.
- Rossberger, R.J. Krause, D.E., 2014, **Participative and Team-Oriented Leadership Styles, Countries' Education Level, and National Innovation**, *Cross-Cultural Research*, 49(1), 20.
- Sharma, S. & Gupta, A., 2017, **The Everyday lives and coping Strategies of women in Delhi; Discerning roots of Psychological Empowerment-An Ethnographic Study**, *International Journal of Indian Psychology*, 4(2), 12.
- Simard, M., Guimond, L. & Ve´zina, J., 2017, **Neo-rural populations and their relations with local decision makers in rural Que´bec: collaboration or conflict"**, *GeoJournal*, Published online.
- Waligo, V.M., Clarke, J., & Hawkins, R., 2013, **Implementing sustainable tourism: A multistakeholder involvement management framework**, *Tourism management*, 36, 342.
- Yount, K., 2017, **A framework for measuring women's empowerment at multiple levels**, *Social Indicators Research*, 128(3), 1171
- Zasada, I., Hafner, K., Schaller, L., van Zanten, B. T., Lefebvre, M., Malak-Rawlikowska, A., & Zavalloni, M., 2017, **A conceptual model to integrate the regional context in landscape policy, management and contribution to rural development: Literature review and European case study evidence**, *Geoforum*, Vol. 4, PP 1-12.